



بانوی فعال محله سیدرضی، بعد از سال ها خدمت در آموزش و پرورش، شاگرد کتاب خدا و حافظ قرآن شد

رویش دوباره در ۶۳ سالگی

۵۰۴



عکس: فاطمه جاهدی/شهرآرا

محمود حسن زاده با ۴ دهه زندگی در حاجی آباد
 خاطرات زیادی را برای خودش ماندگار کرده است

تکاندن درخت توت
 با دستمزد ۱۰ تومانی

۶



مسیر باریک خطر

۳ در شاهنامه ۱۸

مسئولان شهری منتظر ابلاغ طرح تفصیلی برای تعریض
 معبر و تأمین امنیت اهالی کلاته برفی هستند

۷

پیشکسوت ۷۰ ساله کشتی پهلوانی توس
 از بیرون گود برای سرپا ماندن این رشته تلاش می‌کند
 حافظ مرام پهلوانی

شما می توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۳۶۰۶۷۲۶۰۱ در پیام رسان ایتا بفرستید.

شما چه خبر

فعال شدن غرفه های کودک در آزادشهر

مؤسسه کتاب و کتاب خوانی میان بر، بخش جدیدی را در کتابخانه این مجموعه با عنوان غرفه کودک راه اندازی کرد. این مجموعه فرهنگی در مسجد امام حسن مجتبی (ع) محله آزادشهر فعال است و فعالان آن در جدیدترین اقدام خود برای ترویج فرهنگ کتاب و کتاب خوانی، تعدادی غرفه را به کتاب های قصه، رنگ آمیزی، نقاشی و تصویری مجهز کرده اند تا کودکان را به این فضای فرهنگی جذب کنند. با همکاری خیران و فعالان فرهنگی، در هفته گذشته، سه غرفه کودک کتابخانه میان بر با مجموع ۱۹۰ کتاب برای استفاده این گروه سنی راه اندازی شد.



هنر کودکان برای مراقبت از زمین

بهشتی اکودکان منطقه ۱۱ در یک دورهمی محلی و دوستانه، چگونگی مراقبت از محیط زیست را به تصویر کشیدند. در این برنامه که به میزبانی بوستان شهریانوی ملت برپا شد، کودکان با زبان هنر و خلاقیت، درباره طبیعت و حفظ پاکیزگی زمین، به ویژه رها نکردن پلاستیک در طبیعت نقاشی کشیدند. این برنامه به همت تعدادی از مادران فعال حوزه محیط زیست برپا شد و سی کودک از محلات زیبا شهر و آزادشهر در این دورهمی صمیمی حاضر شدند. این نقاشی هادر پایان جمع آوری شد تا در یکی از نمایشگاه های محیط زیستی در منطقه ۱۱ نمایش داده شود.



عزاداری در مساجد برای رهبر شهید

در ادامه تشییع و تدفین رهبر شهید انقلاب اسلامی در مشهد الرضا (ع)، هفته پیش مراسم عزای امام شهید امت در مساجد منطقه ۱۱ برگزار شد. در پی این رویداد تلخ تاریخی و با حرکت مردمی اهالی منطقه، یازده مسجد در زمان ها و به شکل های مختلف، مراسم اول تا هفتم تدفین پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی را برگزار کردند. مساجد فاطمیه، امیرالمؤمنین (ع)، عمار یاسر، امام حسن مجتبی (ع)، فاطمه الزهرا (س)، رسول (ص)، سبحان، امام علی (ع)، الزهرا (س)، حضرت رقیه (س) و جواد الائمه (ع) در این مدت با تلاوت قرآن، مداحی و سخنرانی میزبان مراسم عزای رهبر شهید انقلاب اسلامی بودند.



نذر سبز بانوان محله دانش آموز برای صفر

تعدادی از بانوان محله دانش آموز در روضه خانگی حضرت زینب (س) نذر کرده اند محرم و صفر امسال، آبیاری درختان بخشی از معابر فرعی محله را به عهده بگیرند. این اقدام با عنوان «نذر سبز» از نیمه های تیر و با گرم شدن شدید هوا از سوی یازده بانو آغاز شده است. آن هادر این ایام یازده معبر فرعی مختلف را انتخاب کرده اند و یک روز در میان با شیشه های یک و نیم لیتری به آن ها آب می رسانند.

فرهنگ سرای ترافیک برای آخر هفته ها بازارچه و برنامه های آموزشی تدارک دیده است تجربه متفاوت مادران و کودکان در پنجشنبه های شهروندی



بهشتی آخرین روز کاری هر هفته در فرهنگ سرای ترافیک، با برپایی بازارچه فروش تولیدات خانگی و برنامه های سرگرم کننده برای کودکان همراه شده است. این برنامه با عنوان پنجشنبه های شهروندی در این مجموعه برگزار می شود. به این ترتیب بازدیدکنندگان که اکثر آن ها بانوان هستند، فرصت خرید از این بازارچه را دارند. فیلم سینمایی و انیمیشن ویژه کودکان و برگزاری کلاس های روان شناسی ویژه مادران، از دیگر برنامه هایی است که همزمان با بازارچه برگزار می شود.

پنجشنبه های شهروندی از ابتدای خرداد آغاز شده است و تا پایان تابستان برقرار است. در این روزها پانزده غرفه فروش فعال است که در آن ها محصولات از قبیل انواع شیرینی، ترشی های خانگی، تولیدات چرمی، زیورات، لباس، تولیدات چوبی، گل و گلدان عرضه می شود.

منطقه ۱۱، میزبان رقابت والیبال بانوان مشهد

سالن های ورزشی منطقه ۱۱ میزبان رقابت های والیبال بانوان در هفدهمین المپیااد ورزشی محلات مشهد هستند. این مسابقه ورزشی در دورد سنی نوجوانان و جوانان در سالن های مادر و کودک و امید و زندگی برگزار می شود. در این مسابقات که مرداد ماه برپا می شود، در مجموع ۶۴ تیم با یکدیگر رقابت می کنند.

لای روبی کانال بولوار معلم

کانال جمع آوری آب های سطحی در محدوده میدان شهید مطهری در بولوار معلم، لای روبی و نظافت شد. این اقدام به منظور افزایش بهینه سازی سیستم دفع آب های سطحی و برای پیشگیری از تجمع آب های سطحی اجرایی شد. لای روبی این مسیر توسط نیروهای اداره خدمات شهری و به مدت یک هفته با روش های دستی و مکانیزه انجام گرفت.

هرس تابستانه درختان منطقه ۱۱

در ادامه طرح مقاوم سازی درختان منطقه ۱۱ در مقابل گرما و آفات تابستانه، هفته گذشته ۵۱۵ درخت در بولوار آموزگار هرس شد. با اجرای این مرحله، مجموع درختان هرس شده در منطقه ۱۱ از ابتدای اجرای این طرح به بیش از ۸ هزار و ۸۰۰ اصله رسید. این عملیات در بولوار های وکیل آباد، امامت، سید رضی و دانشجو جلال آل احمد و آموزگار اجرا شد.

شهر خبر



مسیر باریک خطر در شاهنامه ۱۸

مسئولان شهری منتظر ابلاغ طرح تفصیلی برای
تعریض معبر و تأمین امنیت اهالی کلاته برفی هستند



● ● **راه باریک برای خودرو سبک و سنگین**
شاهنامه ۱۸ علاوه بر اینکه معبر اصلی ورود به محله کلاته برفی به شمار می آید، راه اصلی ارتباط چند روستای دیگر نیز هست. موسی محمدی، ساکن محله، در تأیید این موضوع می گوید: این معبر علاوه بر اینکه محله کلاته برفی را به بولوار شاهنامه متصل می کند، ارتباط دهنده روستاهای شمس آباد، احمد آباد، عشق آباد، کلاته علی و قلعه سیاه است. محمدی با اشاره به نبود سیستم حمل و نقل عمومی در این مسیر توضیح می دهد: به همین دلیل اهالی وساکنان این محلات مجبورند با خودروهای شخصی خود تردد کنند. به جز این، عبور خودروهای سنگین که محصولات کشاورزی، باغی و دامی را حمل می کنند، به طور مرتب در این مسیر به چشم می خورد. مهم ترین مشکل این خیابان با توجه به تردد خودروهای متعدد، کم عرض بودن مسیر آسفالت ابتدای خیابان شاهنامه ۱۸ است. حسینعلی غلامی راد، از اهالی روستای شمس آباد، با نشان دادن عرض کم آسفالت خیابان می گوید: پهنای آسفالت این خیابان حتی به اندازه یک خیابان فرعی هم نیست. فکر نمی کنم عرض آن به ۶ متر هم برسد. برای معبری با این حجم از ترافیک، عرض آسفالت

حداقل باید ۱۰ تا ۱۲ متر باشد. او ادامه می دهد: عرض کم مسیر باعث شده است رانندگی در آن با خطرات زیادی همراه شود و حتی شاهد تصادفات بوده ایم. به گفته مردم، این مسیر علاوه بر خطر تصادف خودروها برای عابران پیاده نیز خطرناک است. جواد احمدی، از ساکنان محلی، می گوید: هر روز تعداد زیادی از شهروندان برای استفاده از اتوبوس، این مسیر تا بولوار شاهنامه را پای پیاده می روند. بارها اتفاق افتاده که خودروها از مسیر خود منحرف شده و با رفتن به مسیر خاکی، جان عابران پیاده را تهدید کرده اند. این موضوع به ویژه در ساعات ابتدای شب به دلیل نبود روشنایی کافی از ابتدای خیابان تا منطقه مسکونی، خطرات بیشتری دارد.

● ● خطر در کمین عابران پیاده

موضوع افزایش عرض خیابان شاهنامه ۱۸ و پیاده روستای ابتدای آن، از سوی اعضای شورای اجتماعی محله پیگیری شده است. رئیس شورای اجتماعی محله کلاته برفی می گوید: تنها راه برای امنیت و رفع مشکلات این معبر، افزایش عرض مسیر سواره رو و ساخت پیاده رو برای عابران پیاده است و این درخواست بارها در جلسات شورای اجتماعی مطرح شده است. محمدرضا هدایتی با اشاره به وجود فضای باز و زمین کافی برای تعریض و پیاده روستای در حاشیه ابتدای شاهنامه ۱۸ توضیح می دهد: زمین کافی در دو طرف خیابان برای افزایش عرض آسفالت وجود دارد. همچنین پیاده روستای و ایجاد فضای سبز در حاشیه خیابان در زیباسازی محله نقش مؤثری خواهد داشت.

● ● اول طرح تفصیلی، بعد تعریض معبر

رئیس اداره ناحیه منفصل توس ضمن اشاره به بررسی این مشکل در سال های گذشته می گوید: مشکل ابتدای خیابان شاهنامه ۱۸ ملموس و معلوم است. این مشکل در گذشته، سطح وسیع تری داشت و محل اتصال شاهنامه ۱۸ به بولوار شاهنامه بسیار ناایمن و خطرناک بود. محمد سالار اضافه می کند: سال قبل و با رفع بخشی از مشکلات در این زمینه، بررسی طرح مطالعاتی پیاده رو خیابان شاهنامه ۱۸ آغاز شد و هنوز ادامه دارد. با اتمام و تأیید طرح، حداکثر بعد از مدت یک سال، پیاده روستای انجام خواهد شد. برای جلوگیری از اتلاف هزینه، به این طرح نیاز داریم. سالار بیان می کند: در حال حاضر منتظر ابلاغ طرح تفصیلی محله هستیم و به محض ابلاغ آن و تأیید کارشناسی، هر دو اقدام ساخت پیاده رو و تعریض سواره رو را در اولویت پروژه های عمرانی محدوده توس قرار می دهیم.

آزادسازی اراضی کشاورزی از دست متخلفان

در ادامه طرح های مجموعه مدیریت شهری برای برخورد با سودجویان و حفاظت از حریم شهر، آزادسازی ۴ هزار مترمربع اراضی کشاورزی به نتیجه رسید. طبق حکم مقام قضایی و با اقدام اداره مهندسی و نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ۱۲، دیوار ایجاد شده در زمین های کشاورزی در محدوده منفصل شهری توس تخریب شد.

بهسازی تجهیزات نورپردازی منطقه ۱۲

در راستای زیباسازی بصری و استفاده بهینه از سیستم های روشنایی و نورپردازی محدوده متصل شهری منطقه ۱۲، تجهیزات این حوزه بهسازی شد. به این ترتیب و با اقدام معاونت فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۲، چهل دستگاه تابلو نوری روان و همچنین لامپ های تزئینی، نظافت و در مواردی رفع نقص شد.

لکه گیری آسفالت از توس تا الهیه

در ادامه اقدامات اداره عمران و حمل و نقل شهرداری منطقه ۱۲ برای بهسازی معابر شهری، لکه گیری آسفالت تعدادی از خیابان ها اجرایی شد. این اقدام در راستای تحقق شعار «شهر ایمن، شهر هموار» در دو محدوده توس و الهیه انجام گرفت. لکه گیری آسفالت این محدوده ها در چهار نقطه و در مجموع با مساحت بیش از ۲ هزار مترمربع انجام شد.



پیگیری شهرآرامحله و همکاری شهرداری منطقه
یکی از معابر مهم محله امیریه راهپای بهره برداری کرد
آسفالت بر زمین خاکی رضویه



بهشتی ۲۸ اسفند بود که در آخرین شماره شهرآرامحله ۱۱ و ۱۲ در سال ۱۴۰۴ در گزارشی اختصاصی به موضوع توقف احداث بولوار رضویه در محله امیریه پرداختیم. در آن زمان، مسئولان شهرداری منطقه ۱۲ قول دادند که موانع کار برای تکمیل این پروژه برداشته شود و اکنون با گذشت چهار ماه از آن تاریخ، این موضوع محقق شده است. شهردار منطقه ۱۲ در این باره توضیح داد: بولوار رضویه محور مواصلاتی بین بزرگراه آیت الله هاشمی رفسنجانی و بولوار سجادیه است. مهدی خداشناس افزود: با توجه به موقعیت ویژه این بولوار و درخواست متعدد شهروندان و واحدهای صنعتی برای تکمیل پروژه، معبر به مساحت ۱۲ هزار مترمربع آسفالت شد.



بانوی فعال محله سیدرضی، بعد از سال‌ها خدمت در آموزش و پرورش، شاگرد کتاب خدا و حافظ قرآن شد

رویش دوباره در ۶۳ سالگی



داستان جلد

از معلمی تا شاگردی کلاس قرآن

شهربانو حسن‌زاده، معلم بازنشسته‌ای است که سیزده سال پس از خدا حافظی با کلاس و تخته و گچ، دوباره تصمیم گرفت شاگرد شود؛ آن هم شاگرد کتابی که از جوانی با آن مانوس بود. در شصت و سه سالگی، زمانی که بسیاری افراد بازنشستگی را زمان استراحت می‌دانند، او فصل تازه‌ای برای زندگی اش گشود؛ تصمیم گرفت کل قرآن را حفظ کند. تصمیمی که برای برخی شاید جسورانه یا حتی دشوار به نظر برسد، اما برای او پاسخی بود به ندای قلبش.

حفظ را از جزءهای پایانی آغاز کرد. هر روز، منظم و بی وقفه، نه با شتاب، نه با فشار؛ با صبر. ساعت‌های مشخصی را به مرور و تکرار اختصاص داد. برخی روزها سخت بود، برخی آیات دیرتر در ذهن می‌نشست، اما هرگز ناامید نشد. کمتر از پنج سال بعد، در شصت و هشت سالگی در حالی که بسیاری از هم‌سن و سالانش از ضعف حافظه گلایه می‌کردند، او حافظ کل آیات الهی شد. امروز حسن‌زاده، تنها یک حافظ قرآن نیست. او به یکی از مفسران شناخته شده محله تبدیل شده است؛ بانویی که در بیشتر مساجد منطقه برای بانوان جلسات تفسیر برگزار می‌کند. کلاس‌هایش ساده اما پرشور است. با همان صدای آرام و شمرده‌ای که آیات را در خانه زمزمه می‌کند، مفاهیم را توضیح می‌دهد.

فاطمه سیرجانی در خانه‌ای آرام که نور صبح از لابه‌لای پرده‌ها روی رحل چوبی قرآن می‌افتد، زن با چهره‌ای مهربان و متبسم، قرآن را ورق می‌زند تا لحظاتی بعد، آیاتش را بر روح و جسم این خانه و اعضای که در آن هستند جاری کند؛ این روایت بانویی است که زندگی اش را با قرآن بازتعریف کرده است. او در شصت و سه سالگی حافظ کل قرآن شده و ادامه مسیر عمرش را با آیات الهی معنا بخشیده است. از شهربانو حسن‌زاده، فعال فرهنگی محله سیدرضی، صحبت می‌کنیم. معلمی که پس از بازنشستگی، مسیر شاگردی را از سر گرفت تا پس از پنج سال تمرین و ممارست و حفظ کل قرآن در یک راه آموزشی متفاوت از گذشته قدم بردارد.



حرمت داری کلام و وحی

روی زمین و بر سجاده‌ای که سال‌هاست همدم لحظه‌های خلوت و راز و نیازش شده است، می‌نشیند. قرآن را با احترام از روی طاقچه برمی‌دارد. روی رحل چوبی می‌گذارد و آرام بازش می‌کند. نشانه، بر سوره «نساء» جا مانده است؛ همان جاکه دیروز تلاوت را به پایان رسانده بود. عینکش را با دقت روی صورتش می‌زاند، نفسی عمیق می‌کشد و آیات را آهسته و شمرده زمزمه می‌کند.

نگاهش گاهی روی سطرهای نورانی قرآن می‌لغزد و گاهی از لابه‌لای کلمات، به بیرون و درختان سرسبز نگاهی می‌اندازد. لب‌هایش آرام حرکت می‌کنند و آیات در فضای خانه جاری می‌شوند. گرچه همه قرآن را از بر دارد، او هیچ‌گاه تلاوت از روی مصحف را ترک نکرده و معتقد است قرآن حرمت دارد و نگاه به هر خط آیات این کتاب الهی یعنی رعایت حرمت؛ «نشستن پای قرآن، ادای احترام است؛ سنتی که باید زنده بماند».

شهربانو، معلم کوچک مدرسه «خورشید»

وقتی قرار است بانوی حافظ قرآن محله سیدرضی، خاطرات دوران کودکی اش را مرور کند، به یاد می‌آورد که بعد از سپری کردن دوره ابتدایی در کلات، به دلیل نبود مدرسه دخترانه، دوسالی ترک تحصیل کرد. تا وقتی پدر کشاورزش که سواد ششم آن زمان را داشت، به مسئولان کشوری نامه نوشت و از نبود مدرسه‌ای برای دختران در این محدوده گفت. یک سال بعد، مدرسه متوسطه دخترانه «خورشید» در کلات بنا شد و شهربانوی جوان تا سال دهم در آن مدرسه درس خواند. او که از سال چهارم تا پایان دوره متوسطه، معلم بچه‌های سال پایینی بود و حتی برای تدریس، حق الزحمه‌ای از اداره فرهنگ دریافت می‌کرد، وقتی شنید مدرسه آن‌ها دو سهمیه برای ادامه تحصیل در دانشسرای وقت مشهد دارد، تصمیم گرفت در آزمون ورودی دانشسرا شرکت کند.

تعریف می‌کند: پدرم مخالف آمدن من به مشهد و به قول خودش، دیار غربت بود. به دلیل پیگیری‌های پدرم برای ساخت مدرسه، رئیس وقت آموزش او را می‌شناخت. او وقتی خبردار شد که معلم کوچک کلات قرار نیست ادامه تحصیل دهد، شخصاً به کلات آمد و به پدرم حکم کرد مانع از ادامه تحصیل من نشود. این طور شد که بعد از ادامه تحصیل در دانشسرا و استخدام در اداره فرهنگ وقت به مدت ۲۸ سال به خدمت آموزش و پرورش درآمد.





حضور در جلسات قرآنی
این انگیزه را در من ایجاد کرد که
هوش و استعدادم را در زمینه حفظ
بسنجم. خوشبختانه با بهره‌گیری از
ذوقی که برای این کار داشتم، موفق
شدم در فاصله کمتر از پنج سال،
قرآن را حفظ کنم

نور قرآن در چشم‌های بانو شهربانو

خانم معلم بازنشسته بزرگ‌ترین معجزه قرآن را نوری می‌داند که به چشمانش برگردانده شد. به طوری که آیات و خطوطی را که تا قبل شروع به حفظ، فقط با عینک می‌توانست بخواند، با شروع این راه، بدون نیاز به استفاده از عینک، قرائت می‌کرد.

او اضافه نشدن شماره عینک از سال‌های دوره تدریس و روشنائی چشمانش را از برکات نگاه کردن به آیات الهی می‌داند و می‌گوید: با اینکه همه آیات قرآن را از حفظ دارم، برای تثبیت حفظ باید روزانه یک ساعتی پای این کتاب الهی بنشینم و با نگاه کردن به خطوط، قرائت کنم تا حفظیات مرور و برایم تکرار شود.

ختم قرآن به نیت کمک در امور خیر

تقریباً همه ساکنان کوچه‌های جلال آل احمد ۴۸ و ۵۰ به خصوص مسجدی‌ها خانم معلم بازنشسته را می‌شناسند؛ کسی که بیش از دو دهه به عنوان فعال فرهنگی و مفسر قرآن در مساجد محله آمد و شد و فعالیت دارد، از برپایی جلسات روزانه تفسیر و روان خوانی در مسجد امام رضا^(ع) تا جلسات قرآن خانگی که دوره‌ای در محله برگزار می‌شود. او از اجرای سفارش ختم قرآن از سوی خیریه‌ها و خیران می‌گوید و هزینه‌ای که به واسطه این ختم، صرف امور خیر می‌شود.

او تعریف می‌کند: من برای تلاوت قرآن و جلساتی که دعوت می‌شوم، ریالی از کسی نگرفته‌ام و نمی‌گیرم. حتی اگر کسی بخواهد هدیه غیر نقدی بدهد، ناراحت می‌شوم و قبول نمی‌کنم، چون باور دارم اجر این کار از بین می‌رود. اما داستان قبول ختم قرآن برای خیریه‌ها به این ترتیب بود که در جلساتی که داشتیم، پیشنهاد ختم داده می‌شد و هر کسی یک جزء را انتخاب می‌کرد. یک روز که حدود ۲۵ جزء باقی مانده بود، بقیه را من تقبل کردم.

چند بار که این اتفاق افتاد، یکی از خانم‌ها که در خیریه بود، گفت: بعضی برای آرامش روح اموات خود سفارش ختم قرآن می‌دهند که ما هم این کار را به افراد قابل اطمینان می‌دهیم. هزینه دریافتی هم صرف امور خیر و تهیه مایحتاج نیازمندان می‌شود. با تحقیق درباره آن خیریه و مسجل شدن کارهای خیرخواهانه، تصمیم گرفتم در این کار خیر شریک شوم. هم قرآن تلاوت کنم، هم با این کار، گره از مشکل نیازمندی باز شود.



انس با قرآن باسوره «حج»

شهربانو خانم از پای سجاده بلندی می‌شود و در حالی که به سمت کتابخانه می‌رود و کتاب قطوری را برمی‌دارد، می‌گوید: از وقتی با قرآن انس گرفته‌ام، یک روز هم نمی‌توانم از این کتاب و آیتش دور بمانم. او از پدرش می‌گوید که اهل کتاب و دعا بود و هر صبح یک ساعت قبل اذان پای سجاده می‌نشست و با صدای بلند شروع به خواندن قرآن می‌کرد؛ می‌گوید: پدرم آدم بادین و ایمانی بود. او هر روز که مابچه‌ها را برای خواندن نماز اول صبح صدا می‌کرد، می‌گفت «صبحتان را که با قرآن شروع کنید، روزتان ساخته می‌شود. فرصت خواب همیشه هست: نگذارید حسرت یک لحظه خلوت با قرآن در دلتان بماند.» شاید اصرار او همان صدای دل‌نشین پدر، باعث جذب من به سمت قرآن از همان سنین پایین و دوره نوجوانی شد.

این معلم بازنشسته تا پنجاه سالگی و دو سال بعد از بازنشستگی در نیشابور ماند. بعد به مشهد کوچ کرد و در محله سید رضی ساکن شد. داستان انسش به قرآن را این طور برای ماتعریف می‌کند: سال ۸۴ سفر حج قسمتم شد. در مسیر رفتن نیتی کرده و قرآن را باز کردم. سوره حج آمد. با دیدن نام آن سوره به شدت متقلب شدم و از همان لحظه تصمیم گرفتم در آن سفر قرآن را دوره کنم. تا قبل آن، قرآن می‌خواندم، امانه روان و مرتب. با کمک خداوند موفق شدم در آن سفر یک ماهه دوبار قرآن را دوره کنم.

سن و سال دارترین شاگرد کلاس حفظ بودم

شهربانو خانم از روزهای اولی می‌گوید که در مسجد الزهرا^(س) کوچه جلال آل احمد ۴۰، چهار کلاس پانزده نفره آموزش حفظ قرآن از طرف آستان قدس رضوی برگزار شده بود. درست او اواسط سال ۹۵ او سن و سال دارترین آن جمع شصت نفره بود. در سال ۱۴۰۰ او در شصت و هشت سالگی در حالی که از آن شصت دختر نوجوان و جوان جوان فقط حدود ۲۵ نفر مانده بودند، موفق شد مدرک حفظ کل قرآن را بگیرد. شهربانو خانم بعد یک سال دوری از جلسات حفظ عزمش را جزم کرد تا آن را از سر بگیرد. برای همین دوباره سر کلاس نشست و شروع کرد.

او تعریف می‌کند: حفظ مابه صورت صفحه‌ای بود. اوایل نیم صفحه، بعد یک صفحه و در ادامه یک صفحه و نیم. خاطر هست چون بقیه خیلی جلوتر از من بودند، اگر استاده‌ها آن‌ها یک صفحه و نیم تمرین می‌داد، من شش تاهفت صفحه رای به هر سختی بود، در یک هفته حفظ می‌کردم تا بالاخره خودم رای به آن‌ها رساندم.

شروع حفظ قرآن در ۶۳ سالگی

مهر به آیات قرآن به مرور و آهسته در دل شهربانو خانم نشست تا اینکه در شصت و سه سالگی، تصمیم گرفت خود در نقش شاگرد پای کلاس استادان قرآنی بنشیند. او ابتدا چند صباحی به سر کلاس‌های تفسیر و تجوید و روان خوانی نشست تا نور امید در دلش بتابد و تصمیم به حفظ آیه‌ای قرآن بگیرد.

او تعریف می‌کند: شاید اگر در مشهد به این محله نمی‌آمدم و همسایگی با حسینییه قاسم آبادی‌های مقیم مشهد و مساجد امام رضا^(ع) و حضرت زهرا^(س) نبود، هیچ وقت به سراغ حفظ قرآن نمی‌رفتم، اما حضور در جلسات تفسیر و تجوید و روان خوانی این مکان‌های مقدس، این انگیزه را در من ایجاد کرد که هوش و استعدادم را در زمینه حفظ بسنجم. خوشبختانه با بهره‌گیری از استادان خبره و تشویق‌ها و ذوقی که برای این کار داشتم، موفق شدم در فاصله کمتر از پنج سال، قرآن را به طور کامل حفظ کنم.

محمود حسن زاده با ۴ دهه زندگی در حاجی آباد، خاطرات زیادی را برای خودش ماندگار کرده است

تکاندن درخت توت بادستمزد ۱۰ تومانی



محله گردی

ایستگاه
اول

حسین برادران فرا وقتی در حاجی آباد به دنیا آمد، این محدوده از محله چهاربرج، روستایی بود سرسبز و زیبا. محمود حسن زاده همه ۴۳ بهار زندگی خود را در حاجی آباد گذرانده و از شیرینی درخت های توت تا تلخی محرومیت و قطعی آب و... را در این خطه از توس چشیده است. او بزرگ شده کوچه پس کوچه این محدوده بوده و به چشم دیده است که همراه با بزرگ شدنش، محل زندگی اش هم رشد کرده و جزو شهر شده است. قدم زدن ما همراه محمود آقا در حاجی آباد، خاطرات متفاوتی را در ذهنش زنده می کند.



روستای حاجی آباد در گذشته، با چهار برج مدور و دیوار بلند کاهگلی محصور بود؛ هر چند امروز دیگر خبری از آن برج ها نیست. داخل این دیوار، پرندگان زیادی لانه کرده بودند. یکی از تفریحات ما بچه ها این بود که وقتی جوجه های پرندگان کمی بزرگ می شدند، آن ها را از لانه برداریم و بزرگ کنیم.

ایستگاه
دوم

درختان توت حاجی آباد که الان شده شاهنامه ۳۱، خیلی معروف بود و در بهار طرفداران بسیاری داشت. آن ها که از شهر می آمدند، نمی توانستند از آن ها بالا بروند و من و چند تا از بچه ها که کار هر روزمان بالا رفتن از این درختان بود، می رفتیم بالای درخت و تکانش می دادیم و ۱۰ تومان دستمزد می گرفتیم.



ایستگاه
سوم

ایستگاه
چهارم

مرحوم پدرم در کنار شغل کشاورزی خادم مسجد الزهرا (س) حاجی آباد هم بود. من هم به این دلیل از همان دوران نوجوانی، پایم به مسجد باز شد و قرآن خوانی و مکبری را برای اولین بار در این مسجد انجام دادم. بعد از فوت مرحوم پدرم در سال گذشته، خادمی مسجد را خودم بر عهده گرفتم.



ایستگاه
پنجم

در گذشته شایعه شده بود که قبرستان سیصد ساله حاجی آباد جن دارد؛ برای همین شب ها کسی جرئت عبور از کنار آن را نداشت. در کودکی ام، یکی از اهالی که در حال عبور از کنار قبرستان بود، هیكل سفیدی را دیده و تا چند ماه زبانش بند آمده بود. بعدها معلوم شد که یکی از اهالی برای شوخی این کار را انجام داده است.



تاسه چهار دهه قبل، فقط بقالی صغری خانم قاسمی و همسرش در این محل فعال بود. این مادر با بچه های روستا خیلی مهربان بود. خاله صغری در کنار مغازه اش تنور داشت و بعضی روزها نان می پخت و بین بچه ها پخش می کرد. هنوز هم بعد از گذشت سال ها، مزه آن نان های داغ بیرون آمده از تنور را زیر دندان حس می کنم.

مدرسه قدیمی محله حاجی آباد قدیم چوب پوش بود، باد یوارهای کاهگلی. حالا ساختمان جدیدی جای آن است به اسم مدرسه شهید گندمی. من دوران ابتدایی را در این مدرسه درس خواندم. از وسط حیاط مدرسه جوی آب خنک قنات روستای سرچشمه می گذشت و ما بهار در آن دست و پا و سرمان را به آب می زدیم.



عکس: حسین برادران فرا/شهرآرا



پیشکسوت ۷۰ ساله کشتی پهلوانی توس، از بیرون گود برای سرپا ماندن این رشته تلاش می‌کند

حافظ مرام پهلوانی

دیدار چهارم

معتقدم مقامی که با کلک و زدوبند به دست آمده باشد، هیچ ارزشی ندارد. پهلوان زاده دیار توس در ادامه تعریف می‌کند: پدر بزرگم، غلام حسین حیدرخان، از کشتی‌گیران معروف دوره خودش بود و تا چند سال کسی نتوانست پشتش را به زمین بزند. او همیشه می‌گفت «قداست و شرافت کشتی را به خاطر هیچ قند و جایزه‌ای، حتی اگر یک گله گوسفند هم باشد، زیر پا نگذار».

همه بچه‌های توس برایم مثل بهروز هستند

قدیر رحیمی در طول این سال‌ها با وجود مشغله کاری‌اش، ارتباطش با گود کشتی و کشتی‌گیران را قطع نکرده و حمایت‌های مادی و معنوی او قهرمان پرور بوده است. این پیشکسوت کشتی که دایی پهلوان بهروز پرهیزگار، عضو سابق تیم ملی کوراش نیز هست، با ذکر خاطره‌ای می‌گوید: سال‌ها قبل کشتی‌گیری به نام باقر افغان که زاده افغانستان بود، با استفاده از شگرد خاص خودش، قهرمان بلامنازع گود کشتی مشهد شده بود. من هم با او کشتی گرفتم و نتوانستم شکستش بدهم اما نقطه ضعفش را فهمیده بودم و برای بهروز پرهیزگار، پسر خواهرم، توضیح دادم. بهروز در هفده هجده سالگی، او را به زمین زد و نامدار شد. امروز هم همه بچه‌های توس برایم مثل پهلوان بهروز هستند و هرکمی از دستم برآید، برای اعتلای کشتی و کشتی‌گیران جوان انجام خواهم داد.

پهلوان همیشگی توس این گونه ادامه می‌دهد: در پانزده یا شانزده سالگی لباس چوخه پوشیدم و وارد گود کشتی شدم. آن سال‌ها هر هفته روزهای جمعه در میدان میل کاریز (خیابان حرعالمی امروز) مسابقات چوخه برپا بود. عاشق کشتی گرفتن بودم؛ دنبال جایزه یا شهرتش نبودم. با اینکه کارگر ساختمانی بودم و خانه مان خیلی دور بود، با هر وسیله‌ای بود، خودم را به گود کشتی می‌رساندم.

قداست کشتی، به از یک گله گوسفند

این پیشکسوت کشتی در مدت بیست سال در بیشتر گودهای با چوخه مشهد و خراسان بزرگ کشتی گرفته و به قول خودش قندهای زیادی برده است. اما آنچه در این سال‌ها برایش اهمیت داشته، مرام پهلوانی بوده نه قهرمانی. او با ذکر خاطره‌ای در این باره می‌گوید: در یکی از کشتی‌ها حریفم با سوء استفاده از غفلت داور، فن خطایی زد و خاکم کرد. البته داور خیلی سریع متوجه موضوع شد و درخواست تکرار کشتی را داد اما من برای حفظ آبروی طرف مقابلم به داور گفتم دست حریفم را بالا ببرد و کشتی نگیرم.



حسین برادران فراهنوز هم وقتی در کوچه‌های توس قدم برمی‌دارد، جماعتی او را پهلوان صدامی زنند. به یاد روزهایی که وسط گود میدان داری می‌کرد و بیرون گود هم اخلاق مداری. آن‌ها که قدیمی توس هستند، قدیر رحیمی را خوب می‌شناسند؛ او که پهلوانی نامی بود و فن پایش معروف. سال‌ها از میدان‌های کشتی دور بوده و هنوز هم مورد احترام جوانان و تازه‌واردهای این رشته در توس است. او حالا با هدایت‌ها و حمایت‌هایش سعی می‌کند در کنار سایر پهلوانان توس، پرچم پهلوانی را در این منطقه بالا نگه دارد.

شروع کشتی در مراسم عروسی

قدیر رحیمی که هفتاد سال قبل در روستای مردارکشان (شهید مجیر امروزی) به دنیا آمد، کشتی را از مراسم عروسی و درس نوجوانی شروع کرده است. حاج قدیر با افسوس از این سنت فراموش شده یاد می‌کند و می‌گوید: تا پنجاه سال قبل، یکی از رسوم می‌که در عروسی‌های محلی توس و خراسان شمالی فعلی برقرار بود و طرفداران زیادی هم داشت، کشتی با چوخه بود. بیشتر کشتی‌گیران هم دوره ما کشتی را از همین مجالس عروسی شروع کردند.

عروسک‌های آموزشی در منطقه ۱۱ به جنگ بی‌توجهی به محیط زیست رفتند

ننه بازیافت و قصه‌هایی برای زمین



عیدگاه

ساده‌ای را که ننه بازیافت گفت، رعایت کنیم قطعا اوضاع محیط زیست عوض می‌شود.

ننه بازیافت و موجود فضایی تاروز ۴ مرداد در منطقه ما اجرا دارند تا شهروندان را بیش از پیش با آموزه‌های محیط زیستی آشنا کنند. در نمایش آن‌ها، موجود فضایی، شخصیتی است که بدون توجه به توصیه‌های ننه بازیافت مدام زباله تولید می‌کند و آخر در میان زباله‌های تولیدی خود گرفتار می‌شود و ننه بازیافت هم علاوه بر ارائه توصیه‌های فرهنگی در این زمینه در پایان اجراء برای بچه‌ها قصه تعریف می‌کند.

مبینا حسین نژاد دختر ننه ساله‌ای است که پای این اجرا هان نشسته است و می‌گوید: من از این نمایش یاد گرفتم که زمین را آلوده نکنم. او بهترین آموزش این برنامه را برای خودش این گونه تعریف می‌کند: یاد گرفتم که برای بردن ساندویچم به مدرسه از کیسه‌های کاغذی یا ظرف استفاده کنم یا هر روز پلاستیک فریزر را تمیز به خانه برگردانم تا مجبور نشوم که کیسه پلاستیکی جدید استفاده کنم.

این برنامه مشارکتی به همت تعدادی از فعالان محیط زیستی و مدیریت فرهنگ سرای محیط زیست تدارک دیده شده است و تیم اجرایی آن در دو هفته اخیر در بوستان‌های مادر و کودک، چهل بازه و گل‌ها، بازارها، فرهنگ سراها و مهدهای کودک فعال حاضر شده‌اند تا علاوه بر مخاطب بزرگ سال، کودکان را با موضوعات محیط زیستی آشنا کنند.

هدف از اجرای برنامه، این است که اهالی منطقه ۱۱ بیش از گذشته، متوجه عواقب استفاده بی‌رویه از پلاستیک و تولید زباله شوند و با تکیه بر روش‌های بازیافت و استفاده از وسایل جایگزین به جای پلاستیک به حال بهتر زمین کمک کنند.

آموزش‌های جذاب برای بزرگ و کوچک

پدران و مادران زیادی در این روزها چه از سر علاقه و چه به واسطه حضور فرزندانشان، پای اجراهای ننه بازیافت نشسته‌اند. محمدرضا فراشان یکی از این افراد است که می‌گوید: متأسفانه روزمرگی‌های زیاد زندگی، ما را از توجه به رفتارهای درست در قبال طبیعت دور کرده است و حتی در این حوزه‌ها به فرزندانتان آموزش نمی‌دهیم. برگزاری این برنامه و بعضی صحبت‌های شخصیت‌های عروسی برای من خیلی جذاب و آموزنده بود و فکر می‌کنم که برای بچه‌ها هم همین طور است. اگر همه ما در کنار هم، همین چند نکته

سید مصطفی بهشتی اچادر سفید گل‌دار، چارقد رنگارنگ و موهای سفید از عروسک روایت مادر بزرگ پیری ساخته است که این روزها در نقاط مختلف منطقه ۱۱ دیده می‌شود. به یکی کیسه پارچه‌ای هدیه می‌دهد. به نفر دیگری تذکر آشغال نریختن می‌دهد و این لابه‌لازه بچه‌ها هم لپی می‌کشند و با آن‌ها خوش و بشی می‌کنند و برایشان داستان می‌گویند. این شخصیت ننه بازیافت است که از این پارک به آن پارک و از این خیابان به آن خیابان می‌رود تا با برپایی برنامه‌های مشارکتی، توجه شهروندان را به موضوع بازیافت و مراقبت از محیط زیست اطرافمان جلب کند.

زباله کمتر، زمین بهتر

در همین چند روزی که از حضور ننه بازیافت در منطقه ۱۱ سپری می‌شود، بعضی از بچه‌ها در بوستان‌ها و بازارها حسابی با او دوست شده‌اند و وقتی او را می‌بینند، به سمتش می‌روند. این رفاقت و علاقه به شخصیت عروسی سبب شده است به حرف‌های او هم عمل کنند و حالا هرکدامشان یک سفیر باشند برای زمین پاک. حضور ننه بازیافت در کنار عروسک دیگری به نام موجود فضایی سبب شده است بچه‌ها با دیدن بازی نمایشی این دو شخصیت در قالب تقابل خیر و شر و همچنین قصه‌گویی ننه بازیافت، رفتار درست را در قبال زمین و محیط زیست به خوبی درک کنند و ذهن آن‌ها برای پذیرش آموزه‌های حفاظت از زمین و فضای اطرافمان آماده باشد.



○ مهدیه میری، ملیکا نعمت زاده، ریحانه عزتی، فاطمه میری، سامیه قیصری و عارفه خواجوی عضو گروه تئاتر غم نامه حضرت رقیه (س) هستند. آن‌ها با حمایت اهالی مسجد الرضا^(ع) برای دومین سال، نمایش آیینی خود را اجرا کردند و امیدوارند بتوانند این برنامه را در سال‌های بعد ادامه دهند.



○ مهدیه میری بزرگ‌ترین عضو این گروه است که در نقش حضرت زینب (س) نقش‌آفرینی می‌کند. او علاوه بر اجرای صحنه، پذیرای مهمانان هم هست و می‌گوید: مادر من مدرس تئاتر گروه نمایشی دختران حوراست و خودم هم به دلیل حضور در این برنامه نکات بسیاری یاد گرفته‌ام.



«دختران حورا» با اجرای نمایش آیینی
سوگواری متفاوتی برای سه‌ساله سیدالشهدا^(ع) رقم زدند

دختران، راویان غم رقیه (س)

فاطمه سیرجانی ا هم‌زمان با شهادت حضرت رقیه (س)، مسجد الرضا^(ع) محله شهید رضوی، میزبان یکی از برنامه‌های پرمخاطب این ایام بود؛ مراسمی که «دختران حورا» تدارک دیده بودند و با اجرای نمایشی آیینی، سوگواران را تحت تأثیر قرار دادند. میزبانان نونهال و نوجوان این مراسم، طی سه روز، نمایشی را روی صحنه بردند که روایتی متفاوت از رنج‌های خاندان اهل بیت^(ع) در محرم سال ۶۱ هجری قمری بود.



○ فاطمه وزهرا و آیه سه دوست و هم‌محله‌ای هستند. این سه دوست چند سالی است به عضویت گروه سرود دختران حورا درآمده‌اند. فاطمه می‌گوید: ما از وقتی عضو این گروه شده‌ایم، شخصیت حضرت رقیه (س) و حادثه کربلا را بهتر درک کرده‌ایم و برای بچه‌های هم‌سن خودمان هم این داستان را تعریف می‌کنیم.



عکس: فاطمه سیرجانی/شهرآرا

○ نیایش و نادیا یوسف زاده خواهران ده‌ساله‌ای هستند که به این مراسم دعوت شده‌اند. نیایش می‌گوید: همیشه وقتی دختران هم‌سن و سال خود را می‌دیدم که در نقش کودکان در تعزیه بازی می‌کنند، آرزو داشتم من هم در تعزیه نقش داشته باشم. امروز با دیدن نمایش دختران حورا، من و خواهرم تصمیم گرفتیم عضو این گروه شویم و سال بعد در این نمایش شرکت کنیم.